

ملا محمد کاظم خراسانی

در سال 1255، در مشهد، در یک خانواده غیر معروف متولد شد و در 22 سالگی به تهران مهاجرت کرد و مدت کوتاهی تحصیل فلسفه کرد، سپس به نجف رفت، دو سال درس شیخ انصاری را درک کرده است، اما بیشتر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بوده است. میرزای شیرازی در سال 1291 سامرا را محل اقامت خود قرار داد، ولی آخوند خراسانی از نجف دور نشد و خودش مستقلاً حوزه درس تشکیل داد. او از مدرسین بسیار موفق است، در حدود هزار و دویست شاگرد از محضرش استفاده می کردند و در حدود دویست نفر آنان، خود مجتهد بودند.

فقهای عصر اخیر، نظیر مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، مرحوم حاج آقا حسین بروجردی، مرحوم حاج آقا حسین قمی، و مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی همه از شاگردان او بوده اند، شهرت بیشتر آخوند خراسانی، در علم اصول است. کتاب کفایة الاصول او، یک کتاب درسی مهم است، و حواشی زیادی بر آن نوشته شده است. آراء اصولی آخوند خراسانی، همواره در حوزه های علمیه نقل می شود و مورد توجه است. آخوند خراسانی همان کسی است که فتوی به ضرورت مشروطیت داد. مشروطیت ایران، رهین اوست. او در سال 1329 هجری قمری درگذشت.

آثار و تألیفات :

از تألیفات او می توان کتب زیر را نام برد:

1- کتاب الاجاره

2- الاجتهاد و التقليد

3- التکلمة للتبصرة

4- حاشیه بر اسفار ملاصدرا

5- حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری (ره)

6- حاشیه بر مکاسب شیخ (ره)

7- القضا و الشهادات

8- کفایة الاصول در دو جلد

و مشهورتر از همه تألیفات او، این کتاب آخری است که در تمام اقطار، در نهایت اشتها می باشد. دانشمندان حاشیه ها و تعلیقه های متعددی بر آن افزوده اند که از مشهورترین آنها، حاشیه شیخ محمدحسین اصفهانی، شیخ محمدعلی قمی، شیخ عبدالحسین آل شیخ، و میرزا ابوالحسن مشکینی است که هر کدام در کشف معضلات و ابراز حقایق آن کتاب، تلاش فراوانی نموده اند که در روشنگری مطالب آن کتاب مفید می باشد و تأسیس چند مدرسه علمیه را در نجف اشرف، در سری کارهای علمی و تربیت علما او می توان ذکر کرد.

سیاست:

سیاست و تشریک مساعی در امور عمومی، و مصالح کلی مسلمین، یکی از وظایف مهم و بزرگ علما و فقها و دانشمندان علوم الهی است که خداوند متعال دخالت در این امور را بر عهده آنان واگذار کرده است و متعهد ساخته است که هرگز در برابر عریبه های سیری سیران مست و مغرور، و ضجه فریادهای گرسنگان مظلوم، آرامش و سکوت اختیار ننمایند، و طبق فرمان علم و

معرفت و ایمان خویش، که از معارف الهی کسب کرده اند، به این وظیفه مهم الهی و اسلامی قیام ورزند، هر چند که راحت طلبان و آسایش خواهان می خواهند که همیشه علم و مدارس علمی و دانشمندان علوم الهی را از این مسئولیت، عاری سازند و علم را در زاویه مقدسه کنج مدارس پرورش دهند، و دیگر هیچ وظیفه ای و مسئولیتی و نه تعهد و مقاومتی در برابر نفوذ افکار شیطانی و اعمال جابرانه ستمکاران و جباران تاریخ نداشته باشند و این جدالی است قدیمی و طولانی که از دورانه‌های گذشته نه چندان نزدیک، به یادگار مانده است و متأسفانه در عصرهای اخیر تا عصر انقلاب اسلامی ایران، با تلاش و با آن همه سرمایه گذاری استعمارگران، مسیحیان و سیاستمداران و راحت طلبان که در این راه مبذول داشته اند، کفه دوم ترازو بر کفه اول آن برتری پیدا کرده است و انزوا و سکوت و اشتغال محض به درس و بحث و کتاب بر حوزه نجف سایه افکنده بود که جریان مشروطیت و مبارزه با دیکتاتوری و خودسری فرد حاکم بر سرنوشت عمومی مسلمانان، در ایران اوج گرفت و فریاد مظلومیت مسلمانان به گوش مراجع عالیقدر نجف اشرف رسید.

آخوند ملا محمدکاظم خراسانی شاگرد و تربیت یافته مکتب میرزای شیرازی، از کسانی بود که به این ندای مظلومان پاسخ مثبت داد و همراه با دیگر اساتید علم، مانند: آیه الله شیخ عبدالله مازندرانی و برخی دیگر از علماء، احکام روشن و فتاوی صریح در مورد خلع محمدعلی شاه قاجار از سلطنت و تشییع مبنای حکومت الهی و وجوب وحدت میان امت اسلامی، صادر نمودند و مشروطیت را که خود گامی به جلو در راه استواری عدالت بود، به وجود آوردند. هر چند از این مشروطیت عوامل نفوذی و مأمورین استعمار و استثمار سوء استفاده ها کردند و نتایج ناروایی از آن گرفتند، ولی اساس کار و آن هسته اولیه و نقطه مرکزی کار، بر اساس قویم و نیت پاک و اقدام الهی استوار بود.

مبارزه با اومانیسم و لامذهبی:

بحث و گفتگو از مشروطیت و دقایقی که منجر به جدا شدن نیروی روحانیت گردید، یک بحث تأسف آور و خارج از عهده امروزمین نگارنده است و اکنون چندان نیز مفید فایده نمی بیند، ولی موضوعی که امروز نیز مطرح است، موضوع روشنفکری و خودرأیی و صاحب رأی و نظر بودن در برابر احکام قطعی خدا و اوامر مذهب است که نمونه اش در روزگار مشروطیت، سیاستمدار معروف، سید حسن تقی زاده و ملکم خانو دار و دسته آنان بود، که معتقد بودند: ایرانی باید از نظر روحی و جسمی و آداب اخلاق، پوشش، کوشش و صد در صد اروپایی و فرنگی باشد و مفهوم روشن این سخن، مبارزه با تمام مبادی اخلاق و آداب و رسوم و فرایض اسلامی بود که با روش فرنگی مغایرت پیدا می کرد و تقی زاده از جمله کسانی بود که وارد مجلس شورای ملت اسلام آن روز گردید، و این طرز فکر را القا و تبلیغ و تقنین می کرد و حزبی به نام حزب دموکرات تشکیل داد که باعث هیجانهای شدید سیاسی گردید، بدین جهت مجتهد عالی مقام، آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و هم رزم او آیه الله شیخ عبدالله مازندرانی که همیشه پاسدار استقلال احکام بودند، تلگراف زیر را دایر بر اخراج او از مجلس و تبعید او از کشور صادر نمودند: «از قصر شیرین به تهران: چون ضدیت مسلم سیاسی سید حسن تقی زاده که تاکنون جدا آن را تعقیب نموده است، با اسلامیت مملکت و قوانین شریعت مقدسه بر خود و اعیان ثابت شده است و از مکنونات فاسده اش علناً پرده برداشته است، لذا از عضویت مجلس مقدس ملی و قابلیت امانت نوعیه لازمه آن مقام منیع، بالکلیه خارج قانونا و شرعا منعزل است، منعش از دخول در مجلس ملی و مداخله در امور مملکت و ملت بر عموم آقایان علماء و اولیا امور و امنا دارالشوری کبری و قاطبه امرا و سرداران عظام و آحاد عساکر معظمه ملیه و طبقات ملت ایران ایدهم الله تعالی بنصره العزیز، واجب و تبعیدش از مملکت ایران فوراً لازم، و اندک مسامحه و تهاون حرام و دشمنی با صاحب شریعت (ع) است، به جای او فرد امین دین پرست و وطن پرور، ملت خواه صحیح المسلك انتخاب فرموده، او را مفسد و فاسد مملکت شناسند، و به

ملت غیور آذربایجان و سایر انجمنهای ایالتی و ولایتی هم این حکم الهی عزاسمه را اخطار فرمایند، و هر کسی از او همراهی کند، در همین حکم است: «ولا حول و لا قوة الا بالله العظیم و به جمیع ما رقم صدرالحکم من الاحقر عبدالله مازندرانی، قدر صدرالحکم من الاحقر الجانی، محمد کاظم خراسانی بذلک؛ و لاحول و لا قوة الا بالله العظیم که به قدرت او همه چیز رقم زده شده و این حکم از جانب اینجانبان الاحقر عبدالله مازندرانی و الاحقر محمد کاظم خراسانی صادر شده است.»

پس از انتشار این حکم تلگرافی، مجلس شورای ایران ترتیبات اخراج او را به منظور تبعید از تهران صادر کرد. تقی زاده به تبریز آمد و مدتی در آنجا اقامت کرد و عاقبت به استانبول رفته و متعاقبا به وطن ایده آل خویش که همان اروپا باشد، رهسپار شد.

تلگراف آخوند خراسانی به آیه الله انگجی :

پس از صدور حکم فساد رأی سیاسی تقی زاده، و مغایرت او با احکام مقدسه اسلام، معروف شد که تقی زاده از سوی مرجعیت اسلام تکفیر شده است. عده ای از دوستان و طرفداران او شروع به نامه پراکنی و ایجاد جو مصنوعی نمودند و آیه الله خراسانی، محض جلوگیری از اتلاف وقت مسلمانان در اموری که ضرورت ندارد، تلگرافی در پاسخ این همه نامه ها به آیه الله انگجی (مرحوم میرزا ابوالحسن انگجی، جد بزرگوار حجة الاسلام والمسلمین سید علی انگجی معروف که در مسجد ملک تهران اقامه جماعت می فرمایند) که یکی از وزنه های بزرگ روحانیت آذربایجان بود، صادر نمودند که متن تلگراف چنین است: «از قصر شیرین به تبریز، عدد کلمات 98، تاریخ اصل مطلب 5 شوال 1328. جناب مستطاب شریعتمدار کشف الانام ثقة الاسلام آقای حاج میرزا ابوالحسن انگجی دام تأییده: در خصوص حکمی که از این خادمان شرع انور درباره آقا سید حسن تقی زاده صادر شده بود، مکاتیب و سؤالاتی از تبریز رسیده، لازم است جناب مستطاب عالی به عموم علما و قاطبه مسلمین اعلام فرمائید حکم مزبور تکفیر نبوده و نسبت تکفیر بی اصل است، فقط حکم به عدم جواز مداخله در امور نوعیه مملکت و عدم لیاقت عضویت مجلس محترم ملی و لزوم خروجش بوده، لا غیر البته زاید بر مدلول حکم اثری مترتب نشود.»

این نوع دقت و موشکافی در مورد یک فرد سیاسی، از دیانت و اعتقاد عمیق ایمانی و الهی آن مردان بزرگ الهی سرچشمه می گیرد که در مورد حفظ اساس تشکیلات اسلامی، آن چنان دلسوزی و مراقبت نشان می دهند و در این راه جان خویش را به مخاطره می افکنند، ولی در حفظ آبرو و حیثیت و شئون یک فرد مسلمان ناسالم هم این قدر تلاش و کوشش دارند تا مبادا افزون بر حکم الهی آثاری بر او مترتب سازند که فردا در پیشگاه عدل الهی مورد مؤاخذه قرار گیرند. ولی ای کاش این همه دقت و ریزبینی، و این همه تعهد و مسئولیت در برابر قوانین الهی را دیگران نیز بتوانند درک کنند و مورد بررسی و دقت قرار دهند و دست از توطئه ها و نقشه کشیها در مورد چنین رجال الهی و خدمتگزاران شریعت آسمانی بردارند و با این مردان راستین و صادق از صفا و وفا، نه از راه غدر و جفا رفتار نمایند.

وفات : او در سال 1329 ه ق، پس از عمری تلاش و کوشش در راه خدا به لقاء الله پیوست رحمت و رضوان خدا شامل حالش باد.

منابع

سایت اندیشه قم

.....

Mullah Muhammad Kazem Khorasani

Mullah Muhammad Kazem Khorasani, great philosopher was born in 1830 into an unknown family in Mashhad. At the age of 22, emigrated to Tehran and studied philosophy for a short time and then travelled to Najaf and studied 2 years in the presence of "sheikh Ansari" but he studied more in the presence of "Mirza Shirazi" (great scholar). In 1874, Mirza Shirazi was resident in Samarra –Iraq, but Khorasani himself established a school in Najaf and trained some 1200 students which 200 of them were jurisconsults; he was a highly successful master. Contemporary jurisconsult such as: the late Seyyed Auli Hasan Isfahani, the late sheikh Muhammad Hosseini Isfahani, the late Hossein Boroujerdi, the late Hossein Qomi and the late Zia al –Din Iraqi, all were his students. Khorasani is more famous for methodology (Usul). His ideas are always considered and taught in Hawzeh (religious schools). His famous work "Kefayatul Usul" (sufficiency of methodology) is an important text-book which have been written many glosses on it.

Works:

- 1- Ejtihad (exegesis of divine law by theology and law) and Taqlid (following a religious leader)
- 2- Gloss on "Asfar" (written by mullah Sadra)
- 3- Gloss on "Rasael" (written by sheikh Murteza Ansari)
- 4- judgement and evidence
- 5- Kefayatul Usul (sufficiency of methodology) 2 volumes
- 6- Gloss on "Makaseb" (written by sheikh Murteza Ansari), etc.

Khorasani had also political activities. He pronounced fatwa on constitution of Iran (publicly pronounced that constitution is absolutely necessary). Constitution of Iran is indebted to him. Khorasani and sheikh Abdullah Mazandarani and some other scholars in Najaf agreed with constitution of Iran, they believed that it was a path towards justice. They also pronounced fatwa on dethroning "Muhammad Ali shah" (king of Qajar dynasty) in order to consolidate Islamic government and unity among people. Khorasani also fought against humanism and irreligiosity in Iran. He died in 1910.

فوائد الاصول

این کتاب یکی از آثار و تألیفات ملا محمد آخوند خراسانی است که به زبان عربی تألیف گردیده است. این کتاب شامل مباحث مختلف فقهی و اصولی و کلامی است. این مباحث تحت عنوان فایده آمده اند. این کتاب در اصول فقه شیعه امامیه و در واقع تقریرات درس مرحوم میرزا محمد حسین غروی نائینی است که به وسیله شاگرد وی شیخ محمد علی کاظمی خراسانی نوشته و تدوین شده است. این کتاب مهم و معتبر، مورد توجه علمای متأخر در حوزه های علمیه شیعه بوده است.

معرفی اجمالی نویسنده:

ملا محمد کاظم آخوند خراسانی، فقیه و مرجع تقلید شیعه و رهبر سیاسی عصر مشروطیت فرزند ملا حسین در سال 1255، در مشهد، در یک خانواده غیر معروف متولد شد و در 22 سالگی به تهران مهاجرت کرد و مدت کوتاهی تحصیل فلسفه کرد سپس به نجف رفت، دو سال در سرخ انصاری را درک کرد اما بیشتر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بوده است. میرزای شیرازی در سال 1291 سامرا را محل اقامت خود قرار داد، ولی آخوند خراسانی از نجف دور نشد و خودش مستقلاً حوزه درس تشکیل داد. او از مدرسین بسیار موفق است، در حدود هزار و دویست شاگرد از محضرش استفاده می کردند و در حدود دویست نفر آنان، خود مجتهد بودند. فقها عصر اخیر، نظیر مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، مرحوم حاج آقا حسین بروجردی، مرحوم حاج آقا حسین قمی، و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی همه از شاگردان او بوده اند. شهرت بیشتر آخوند خراسانی، در علم اصول است. کتاب کفایة الاصول او، یک کتاب درسی مهم است و حواشی زیادی بر آن نوشته شده است. آرای اصولی آخوند خراسانی، همواره در حوزه های علمیه نقل می شود و مورد توجه است. آخوند خراسانی همان کسی است که فتوا به ضرورت مشروطیت داد. مشروطیت ایران، رهین اوست. وی در نجف به عنوان جانشین میرزای شیرازی و بزرگ ترین مرجع تقلید عالم شیعه مشخص گردید او در سال 1329 هجری قمری در نجف به طور ناگهانی درگذشت. مرگ او طبیعی تلقی نشد و اینکه عمال انگلستان او را مسموم ساخته اند محتمل می نماید.

ساختار بندی کتاب:

این کتاب شامل 16 فصل به شرح زیر است:

- 1- فائده فی صیغ الامر و النهی و غیرها
- 2- فائده فی اتحاد الطلب و للاراده
- 3- فائده فی اخلال بذکر الاجل فی المتعه
- 4- فائده فی صلح حق الرجوع
- 5- فائده فی استعمال اللفظ فی اکثر من معنی
- 6- فائده فی تقدم الشرط علی المشروط

- 7-فائده فى ان المشتق حقيقة فيما تلبس بالمبدا او الاعم منه
- 8-فائده فى الشبهة المحصورة
- 9-فائده فى معنى المتعارفين
- 10-فائده فى معنى المتزاحمين
- 11-فائده فى وجب اتباع الظهور
- 12-فائده فى التمسك بالمطلقات
- 13-فائده فى المدح و الذم فى الافعال
- 14-فائده فى الملازمه بين العقل و الشرع
- 15-فائده فى اجتماع الامر و النهى
- 16-فائده اخرى فى العلم الاجمالى بين اطراف الشبهة الغير محصورة

منابع

فوائد الاصول- فوائد الاصول

كفاية الاصول

این کتاب یکی از آثار ارزشمند ملا محمد آخوند خراسانی است. کتاب کفایه از مهمترین و رایج ترین تألیفات عصر حاضر است. این کتاب در دو جلد و به زبان عربی نوشته شده است و چون بسیار موجز و دقیق به رشته تحریر در آمده و خالی از مطالب علمی و فلسفی و حکمتی و الهی نیست لذا درک محتویات آن برای کسانی که اهل فن نباشند ولو عرب زبان هم باشند مشکل است زیرا خواننده باید از مقدمات علمی فراوانی بهره مند باشد تا بتواند به رموز اشارات و غموض عبارات آن پی ببرد و اگر فاقد چنین مایه ای باشد در همان سطر اول کتاب در می ماند. کتاب کفایه گرچه همه کتاب هایی را که از پیش در اصول تألیف شده به کلی متروک و منسوخ نکرده ولی بیش از همه آنها میان طالبان علم و صاحبان دقت و فضل رواج یافته و مورد استفاده و نظر گردیده است و کتاب هایی را که پس از آن به دست مجتهدان و فضلاء معاصر تألیف گشته به طور اطلاق از لحاظ تدریس و تدریس تحت الشعاع قرار داده است. خلاصه آنکه کتاب کفایه علاوه بر مزایا و جهاتی که در خود داشته و ترقی و تکمیل دانشمندان را ایجاد و از این رو ترجیحش را بر کتب این فن اقتضا مینموده است. آخوند خراسانی دو سال روی کفایه کار کرده است یعنی تألیف این کتاب دو سال از وقت او را گرفته است و این کتاب در سال های آخر عمر آخوند در نجف نوشته شده است و تاکنون بارها در شهرهای ایران و عراق تجدید چاپ شده است. نسخه خطی کتب کفایه از طرف خانواده کفایی به کتابخانه مجلس شورای ملی ایران اهدا گردیده است. تدریس مطالب کفایه قبل از تدوین آن 6 سال طول کشیده و بعدها که کتاب به طبع رسیده این مدت تقریباً نصف گردیده است.

معرفی اجمالی نویسنده:

ملا محمد کاظم آخوند خراسانی، فقیه و مرجع تقلید شیعه و رهبر سیاسی عصر مشروطیت فرزند ملا

حسین در سال 1255، در مشهد، در یک خانواده غیر معروف متولد شد و در 22 سالگی به تهران مهاجرت کرد و مدت کوتاهی تحصیل فلسفه کرد سپس به نجف رفت، دو سال در شیخ انصاری را درک کرد اما بیشتر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بوده است. میرزای شیرازی در سال 1291 سامرا را محل اقامت خود قرار داد، ولی آخوند خراسانی از نجف دور نشد و خودش مستقلاً حوزه درس تشکیل داد. او از مدرسین بسیار موفق است، در حدود هزار و دویست شاگرد از محضرش استفاده می کردند و در حدود دویست نفر آنان، خود مجتهد بودند. فقها عصر اخیر، نظیر مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، مرحوم حاج آقا حسین بروجردی، مرحوم حاج آقا حسین قمی، و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی همه از شاگردان او بوده اند. شهرت بیشتر آخوند خراسانی، در علم اصول است. کتاب کفایة الاصول او، یک کتاب درسی مهم است و حواشی زیادی بر آن نوشته شده است. آرای اصولی آخوند خراسانی، همواره در حوزه های علمیه نقل می شود و مورد توجه است. آخوند خراسانی همان کسی است که فتوا به ضرورت مشروطیت داد. مشروطیت ایران، رهین اوست. وی در نجف به عنوان جانشین میرزای شیرازی و بزرگ ترین مرجع تقلید عالم شیعه مشخص گردید او در سال 1329 هجری قمری در نجف به طور ناگهانی درگذشت. مرگ او طبیعی تلقی نشد و اینکه عمال انگلستان او را مسموم ساخته اند محتمل می نماید.

ساختار بندی کتاب:

این کتاب فراهم آمده است از مقدمه و هشت مقصد و خاتمه که مقدمه با 5 مقصد، قسمت مباحث الفاظ را شامل و سه مقصد دیگر با خاتمه بیان، قسمت ادله عقلیه را متکفل می باشد. در مقدمه 13 امر زیر که از مبادی فن است مورد بحث شده: 1. موضوع علم 2. وضع 3. طبیعی بودن صحت استعمال لفظ 4. صحت اطلاق لفظ و اراده نوع یا مثل یا شخص از آن 5. الفاظ برای معانی من حیث هی هی، وضع شده، نه از حیث مراد بودن 6. وضع مرکبات 7. علائم حقیقت و مجاز، از از قبیل تبادر و غیر آن 8. احوال 5 گانه (تجوز - اشتراک - تخصیص - نقل - اضمار) و حکم تعارض آنها 9. حقیقت شرعیه 10. صحیح و اعم 11. اشتراک 12. استعمال لفظ در بیشتر از یک معنی 13. مبحث مشتق و متعلقات آن - مهمترین فصول و مباحث مقصد نخست: معنی ماده امر و بحث از اتحاد طلب و اراده - معنی حقیقی - صیغه امر - دلالت جمله خبری بر وجوب - اقتضای اطلاق صیغه امر نسبت به وجوب توصلی و تعبدی و همچنین نسبت به وجوب نفسی عینی و تعینی - امر بعد از حظر - مره و تکرار - فور و تراخی - اجزاء - مقدمه واجب - امر به شی نسبت به اقتضای نهی از منکر و ...

-مهمترین مباحث مقصد دوم: حقیقت مدلول ماده و صیغه نهی - اجتماع امر و نهی - نهی از شی نسبت به اقتضای فساد

-مهمترین مباحث مقصد سوم: تعریف مفهوم - مفهوم جمله شرطیه - مفهوم استثناء، لقب، عدد و ادات حصر

-مهمترین مباحث مقصد چهارم: تعریف عام و خاص - الفاظ و صیغ عموم - حجت بودن عامی که تخصیص در آن راه یافته - اجمال مخصص - خطابات شفاهی - تخصیص کتاب به خبر واحد و ...

-مهمترین مباحث مقصد پنجم: تعریف مطلق و مقید - مقدمات حکمت - مطلق و مقید متناقضی - مجمل و مبین

-در مقصد ششم و هفتم و هشتم که در قسمت مباحث ادله عقلیه است از امور زیر بحث شده است: 1. اماراتی که به حکم شرع یا عقل دارای اعتبار است 2. اصول عملیه 3. تعادل و تراجیح یا تعارض -مهمترین مباحث مقصد ششم: قطع و اقسام آن - امارات غیر علمی - ظواهر قرآن و سنت - اجماع

منقول- تعارض اجماعات منقول و...

-مهمترین مباحث مقصد هفتم: اصل برائت، احتیاط، تخییر و استصحاب
-مهمترین مباحث مقصد هشتم: تعریف تعارض- تعارض میان اماره و اصل- تعارض میان امارات-
تعارض میان ظاهر و اظهر- دایر شدن امر میان نسخ و تخصیص.
-در خاتمه در پیرامون امور مربوط به اجتهاد و تقلید گفتگو به عمل آمده است.

منابع

آخوند خراسانی- کفایة الاصول

کتاب قطرات من یراع بحر العلوم (شذرات من عقدها المنظوم)

یکی از آثار و تالیفات علامه بزرگ آخوند خراسانی کتاب «قطرات من یراع...» می باشد که به زبان عربی و با موضوعی فقهی تألیف شده است. از آنجا که آخوند خراسانی از اصولیین بزرگ محسوب می شود کتابهای ایشان در این خصوص بسیار ارزشمند می باشد.

معرفی اجمالی نویسنده:

ملا محمد کاظم آخوند خراسانی، فقیه و مرجع تقلید شیعه و رهبر سیاسی عصر مشروطیت، فرزند ملا حسین در سال 1255 در مشهد، در یک خانواده غیر معروف متولد شد و در 22 سالگی به تهران مهاجرت کرد و مدت کوتاهی تحصیل فلسفه کرد سپس به نجف رفت و دو سال در شیخ انصاری را درک کرد اما بیشتر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بوده است. میرزای شیرازی در سال 1291 سامرا را محل اقامت خود قرار داد ولی آخوند خراسانی از نجف دور نشد و خودش مستقلاً حوزه درس تشکیل داد. او از مدرسین بسیار موفق است، در حدود هزار و دویست شاگرد از محضرش استفاده می کردند و در حدود دویست نفر آنان، خود مجتهد بودند. فقهای عصر اخیر نظیر مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، مرحوم حاج آقا حسین بروجردی، مرحوم حاج آقا حسین قمی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی همه از شاگردان او بوده اند. شهرت بیشتر آخوند خراسانی در علم اصول است. کتاب کفایة الاصول او یک کتاب درسی مهم است و حواشی زیادی بر آن نوشته شده است. آرا اصولی آخوند خراسانی همواره در حوزه های علمیه نقل می شود و مورد توجه است. آخوند خراسانی همان کسی است که فتوی به ضرورت مشروطیت داد. مشروطیت ایران رهین اوست. وی در نجف به عنوان جانشین میرزای شیرازی و بزرگ ترین مرجع تقلید عالم شیعه مشخص گردید. او در سال 1329 هجری قمری در نجف به طور ناگهانی درگذشت. مرگ او طبیعی تلقی نشد و اینکه عمال انگلستان او را مسموم ساخته اند محتمل می نماید.

ساختار بندی کتاب:

این کتاب دربر دارنده 7 کتاب از مرحوم آخوند خراسانی است که این 7 مجموعه در یک مجموعه گردآوری شده است که این مجموعه ها به شرح ذیل می باشد:

1- کتاب الوقف

2- کتاب الرضاع

3- کتاب الدماء الثلاثة (خون حیض، استحاضه، نفاس)

4- کتاب الطهارة (من کتاب «المعات المنيرة» فی شرح تکملة التبصرة)

5- کتاب الصلوة

6- تعدادی از مسایل مختلفی که نویسنده فرصت اینکه کاملاً آنها را به پایان برساند را پیدا نکرده.

شامل: رساله الفراق بین الزوج و الزوجة – العدالة – الرهن و احکامه.

لازم به ذکر است که در شرح تکملة التبصرة آخوند به آراء و نظرات عالم شهیر اسلام علامه

حلی توجه داشته و آراء موافق را ابقا و آراء مخالف او را الغا نموده است. این کتاب ابسط از کتاب

علامه و بسیار مفید و موجز می باشد و یک دوره مسائل فقه اسلامی را به طور مختصر در آن می

توان یافت. و نیز کتاب «المعات المنيرة» (تالیف استدلالی ممتازی است که بر متن وجیزه تبصره

علامه حلی نوشته شده و به علت گرفتاریهای بسیار، آخوند موفق به تکمیل آن نگردیده و باب طهارت

تا مقداری از مبحث مکان در باب صلاة است که در دو جزء ترتیب یافته. تاریخ ختم باب طهارت

دوم شوال سال 1329 است که آن را پنج ماه قبل از درگذشتش نوشته است.

منابع

قطرات من یراع بحر العلوم (شذرات من عقدها المنظوم) / شیخ محمد کاظم خراسانی

.....

The Drops from sciences' sea and the beads from necklace (Qatarät Man Yaräh Bahr Al-Olum (Shazarät Man Aqdehä Al-Manzum)

One of the great Allame Äkhund Khurasani's works and writings is the book of "The Drops from sciences' sea....." (Qatarät Man Yaräh) Which has been written in Arabic and with juridical subject. Due to the Akhund Khuräsäni considered as one of the great "Osulin", his books in this regard are very valuable.

The author's brief biography:

Molla Mohammad Kazem Akhund Khurasani, the jurist, the shi'a "source of imitate" (marja'-e Taqlid), political leader ##### of "Constitution" (mashrotiyat) and the son of Mullah Hussein was born in 1839A.D. (1255A.H.) in Mashhad in ordinary family. He immigrated to Tehran and for a short time studied philosophy. Then went to Najaf and for about 2 years studied in the presence of Sheikh Ansari, but has more studied in the presence of Mirza Shirazi. In the 1874A.D. (1291A.H) Mirza Shirazi chose the Samaria as his dwelling place, but Akhund Khurasani did not leave the Najaf and independently he himself organized the classroom. He is one of the very successful teachers which about 1200 students have studied in the presence of him and about 200 of them were "Mojtahd" (a law expert). The recent jurist such as the Late Äqä Seyyed Abul

Hassan Isfahani, the Late Haj Sheikh Mohammad Hussein Isfahani, The Late Haj Aqa Hussein Broujerdi, The Late Haj Aqa Hussein Qomi and the Late Aqa Ziya Al-Din Araqi all were his students. Akhund Khorasani is more famous in the field of “principles of jurisprudence” (elme usul). His “sufficiency” (kefäyat Al-Usul) book is an important text book and has been written many glosses on it. The viewpoints of “Osuli” (means principles of jurisprudence) by Akhund Khurasani are always cited in seminaries and are considered. Akhund Khurasani is the one who issued a “Fatwa” (religious decree) to the necessity of Constitution. The Iran’s Constitution is indebted to him. In Najaf he became determined as Mirza Shirazi’s successor and the most great “Marja Taqlid” (the source of imitate) of shi’a world. He suddenly died in Najaf in 1921A.D. (1329A.H.). His death did not consider as a natural death and it is probable that the England agents have poisoned him.

The book structure:

This book including 7 books by the Late Akhund Khurasani which these 7 corpus have been gathered in one corpus which are as follows:

- 1-the book of “Al-Waqf” (endowment),
- 2-the book of “Al-Rezä” (wet nurse),
- 3-the book of “three bloods” (Al-Demä Al-Saläse), Including: The blood of Menstruation, “Excessive Menstruation” (estehäze), “Nafäs” (the blood that comes out during child birth),
- 4-the book of “purity” (tahärat), (from the book of “Al-Me’ät Al-Monirat” fi Sharhe Takmelat Al-Tab Sarat),
- 5-the book of “Al-Salät” (prayer),
- 6-the numbers of different subjects which the writer had not the time to quite finish it. Including the treatise of “Separation Between Man and Woman”, “Justice”, “Mortgage and its Injunction”.

It should be mentioned that in the “Sharh Takmelat Al-Tabserat” The Akhund Khurasani has paid attention to the viewpoints of Islam famous scholar “Allame Helli” and perform his agreeing viewpoints and repealed the negative viewpoints. This comprehensive book by Allame is very useful. A series of Islamic jurisprudence subjects can be briefly found in it. Also the book of “Al-Lama’ät Al-Monire” is an outstanding argumentative writing which has been written on the brief text of Allame Helli’s “note” (tabserreh). Due to the many difficulties Akhund Khurasani could not finish it. The part of “Purity” (Tahärat) up to the some extent from the subject of “Place” is about the Salät” (prayer)

which has been classified in two sections. The finishing date of “Purity” part is 26.9.1911A.D. (1329.10.2A.H.) which has written it 5 month before his death.

Sources

The Drops from sciences’ sea and the beads from necklace (Qatarät Man Yaräh Bahr Al-Olum (Shazarät Man Aqdehä Al-Manzum) by Sheikh Mohammad Khazem Khorasani